

# استرداد مجرمین در نظامهای حقوقی ایران و کانادا و حقوق بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

مصطفی دل افروز<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

فروزان لطفی

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

## چکیده

استرداد مجرمین فرایندی است که مستلزم تعاون قضایی بین المللی بوده و اجرای موفق آن می تواند ضامن عدالت قضایی و جلوگیری از بی کیفی و فرار مجرمان و متهمان احتمالی به کشورهای دور از محل وقوع جرم گردد. در دو قرن اخیر در سطح جهانی بسیاری از کشورها در حوزه استرداد مجرمین قوانین داخلی مبسوطی وضع کرده و به بسیاری از قراردادهای و کنوانسیون های بین المللی در این عرصه پیوسته اند. رشد و گسترش مفهوم حقوق بشر بطور اجتناب ناپذیری منجر به افزایش همکاری های بین المللی در مسائل جنایی شده است که مشهورترین شکل آن استرداد می باشد، که قرن ها تحت سلطه ملاحظات و نگرانی هایی بود که ریشه عمیقی در منافع دولت مانند حق حاکمیت، حفظ قدرت و نظم داخلی، حفظ اتحاد سیاسی خارجی و غیره داشت. در ایران نیز تاکنون قراردادهای موافقتنامه هایی با کشورهای مختلف درخصوص استرداد منعقد شده است. در سال ۱۳۳۹ قانون استرداد وضع شد. موضوع استرداد در ارتباط با فردی است که متهم به ارتکاب جرم است یا به ارتکاب جرمی محکوم شده است. تعدادی از جرایم هم غیرقابل استرداد هستند. استرداد یک فرایند ترکیبی می باشد؛ نه صرفاً حقوقی است، و نه سیاسی و معمولاً توسط نهادهای قضایی آغاز شده و از طریق کانالهای سیاسی ابلاغ می شود. مقاله حاضر ضمن نگاهی اجمالی به همکاری حقوقی متقابل و استرداد به عنوان ابزاری برای همکاریهای بین المللی، به جرایم قابل استرداد و آثار و شرایط آن می پردازد.

**واژگان کلیدی:** استرداد مجرمین، قانون استرداد، حقوق بین الملل، ایران، کانادا

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول





## بخش اول: کلیات

جرم یک پدیدی شومی است که دائماً جوامع انسانی از آن متضرر می‌گردد. روی همین علت است برای مرتکبین جرایم در جوامع قوانین جزائی نافذ گریده است تا مرتکبین جرایم مورد پیگرد و مجازات قانونی قرار گیرد، از یک جانب تسکین اذهان عامه گردد و از جانب دیگر اصلاح و تنبیه مجرم گردد. برای اینکه خسارت زیان دیده جبران گردد ناگزیر باید شخص مجرم دستگیر و تحویل دستگاه قضایی شود تا به گونه‌ای عدالت کیفری رعایت گردد و راجع به این موضوع دولت باید علاوه بر اینکه در عرصه داخلی توان مجازات مجرم را داشته باشد باید در عرصه بین‌المللی هم چنین توانی را داشته باشد چرا که بیشتر مجرمین برای آنکه از چنگال قانون فرار کنند به کشورهای دیگر فرار می‌کردند. در این راستا معمولاً بین دولتها قراردادهای دو جانبه یا چند جانبه منعقد می‌کردند و این تعهدها دولت‌ها را متعهد می‌ساخت که در عرصه‌ی بین‌المللی با هم و به صورت یکجا علیه پدیده شوم جرم مبارزه می‌کردند. موضوع مقاله حاضر استرداد مجرمین در نظامهای حقوقی ایران و کانادا و حقوق بین‌الملل می‌باشد. در واقع، استرداد مجرمین فرایندی است که گویای تشریک مساعی و تعاون بین‌المللی کشورها در راستای اجرای هر چه دقیق‌تر موازین عدالت قضایی می‌باشد. استرداد مجرمین یکی از مباحث اساسی حقوق بین‌الملل و حقوق جزا می‌باشد که با گستره وسیعی از حقوق، تکالیف و اختیارات بین‌المللی دولتها در راستای مبارزه با بزهکاران ارتباط مستقیم یافته است. لذا این نهاد و اجرای موفق آن مستلزم همکاری کشورها بوده و مقتضی است که این کشورها بدون عذر و بهانه‌های سیاسی و امنیتی در استرداد مجرمین همکاریهای لازم را با همدیگر به عمل آورند. این مقاله به روش استنتاجی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات مندرج در آن به شیوه‌های کتابخانه‌ای، اینترنتی و تحلیل اسناد استخراج شده است، و هدف آن به کیفر رساندن مجرمین بر اساس رویه‌های حقوق داخلی که به عنوان اعمال مشترک کشورها در زمره اصول کلی حقوق بین‌الملل قابل شناسایی است، می‌باشد.

## بند اول: احکام و شرایط استرداد مجرمین در حقوق ایران

در چنین مواردی می‌توان براساس اصل عمل متقابل که در علم حقوق و قانون استرداد مجرمین وجود دارد اقدام کرد. اگر ایران با کشور مورد نظر ارتباط دوستانه و خوبی داشته

باشد هر چند قراردادی هم وجود نداشته باشد می تواند درخواست خود مبنی بر استرداد مجرم را مطرح کند و آن کشور نیز بپذیرد. در واقع روابط بین دولتها گاهی بیشتر و بهتر از وجود قرارداد عمل می کند. چرا که ما در مواردی با برخی کشورها قرارداد هم داشته ایم اما به خاطر تیره بودن روابط، آنها به قرارداد عمل نکرده اند و از آنجا که در حقوق بین الملل دادگاهی برای رسیدگی به این نوع شکایتها وجود ندارد در عمل این نقض قراردادها بی جواب می ماند. در شرایط فعلی قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ و قراردادهای منعقد شده بین دولت ایران و سایر ممالک، مستند قانونی نهاد استرداد مجرمین را در گستره نظام حقوق کیفری ایران تشکیل می دهد. طبق ماده (۱) قانون استرداد مجرمین، «در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده، استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قرارداد منعقد نشده و یا اگر منعقد گردیده حاوی تمام نکات لازم نباشد، استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد». (حق پناهان، ۶) در کشور ایران استرداد به چند طریق صورت می گیرد.

### **بند دوم: انعقاد عهدنامه های دو جانبه**

اصول کلی حاکم بر این قراردادها با یکدیگر چندان تفاوت ندارد و بطور کلی طرفین قرارداد به موجب عهدنامه ملزوم شده اند اشخاصی را که به ارتکاب یا شرکت یا معاونت جرمی در قلمرو کشور دیگر متهم شده و یا محکوم شده اند و در خاک طرف دیگر قرارداد هستند به یکدیگر مسترد نمایند. متهمین به ارتکاب جرائمی که مجازاتش کمتر از یک سال باشد موضوع استرداد واقع نمی شوند و کسی که متهم شده است مجازات جرم ارتكابی اش باید حداقل یک سال حبس و اگر حکم محکومیت صادر شده است محکومیت مجرم لااقل شش ماه حبس باشد. جرم ارتكابی باید در هر دو کشور طرف قرارداد قابل مجازات بوده و مجازات آن کمتر از یک سال حبس نباشد. تقاضای استرداد در بعضی موارد به موجب عهدنامه پذیرفته نخواهد شد. از این جمله موارد زیر است: (الف) در صورتی که جرم ارتكابی سیاسی باشد. لکن ارتكاب جرائمی مانند معاونت و شرکت در سوء قصد علیه جان رئیس جمهور، رئیس مملکت، یا اعضای خانواده آنها جرائم سیاسی محسوب نخواهد شد. مسترد



نمودن مجرمین سیاسی با شرایط و اوضاع و احوال مختلف رویه های متفاوتی بوجود آورده است. (ب) جرائم نظامی، اینگونه جرائم نیز در غالب کشورها مشمول مقررات مربوط به استرداد مجرمین نمی شوند منظور از جرائم نظامی جرائمی است که مطابق قوانین ارتش قابل مجازات باشد. (ج) رسیدگی به جرم در صلاحیت کشوری باشد که تقاضای استرداد از آن بعمل آمده است. در اینگونه موارد خود کشور متقاضی مجرم را تعقیب و به مجازات محکوم خواهد نمود. (د) جرم طبق قوانین یکی از دو کشور طرف قرارداد قابل مجازات نباشد. (ه) کسی که تقاضای استردادش شده در کشور ثالثی بعلت ارتکاب به همان عمل که بخاطر آن تقاضای استرداد صورت گرفته تبرئه شده یا به مجازات رسیده باشد یا جهتی از جهات از طرف مقامات صالح مجازات او تعلیق یافته باشد.

### بند سوم: تشریفات مجازات

علی الاصول تقاضای استرداد باید از طریق سیاسی صورت گیرد و مدارک مربوط به استرداد مانند حکم محکومیت یا قرار ارجاع به محکمه جزائی، قرار توقیف یا سندی مشابه آن همچنین خلاصه ای از شرح جرم، تاریخ وقوع و رونوشت مقررات قانونی که در کشور تقاضا کننده جرم مشمول آنست و سایر اطلاعات لازم، علائم و مشخصات، عکس و غیره را باید ضمیمه تقاضای استرداد نمود. در عهدنامه های دو جانبه استرداد مجرمین توقیف موقتی مجرم نیز ذکر گردیده زیرا در بعضی موارد تهیه اسناد و مدارک لازم برای استرداد ممکن است بطول انجامد و از طرف دیگر ممکن است متهم یا مجرم در این فاصله امکان فرار داشته باشد لذا دولتی که تقاضای استرداد می نماید موضوع را اعلام نموده و نیز اطمینان می دهد که تقاضای استرداد و مدارک لازم را متعاقباً خواهد فرستاد ولی فرستادن این تقاضا و مدارک نباید بیشتر از دو ماه بطول انجامد. در عهدنامه استرداد مقصرین منعقد شده بین دولتین ایران و ترکیه تعاون قضائی در امور جزائی نیز پیش بینی شده است. طرفین تعهد نموده اند علاوه بر امر استرداد مجرمین، به منظور مبارزه با جرم در امور جزائی مطروحه در کشور هر طرف با یکدیگر همکاری نمایند این همکاری بین مقامات قضائی دو کشور از طریق مکاتبه و از مجرای سیاسی بعمل خواهد آمد. همکاری در امور جزائی شامل ابلاغ اوراق قضائی احضار و اجرای نیابت قضائی می شود



که باید بر طبق قوانین کشوری که از آن تقاضا شده است بعمل آید و لازم است کلیه اوراقی که ابلاغ می شود همانطوری که در عهدنامه ذکر گردیده ترجمه و تصدیق شود. در بعضی موارد اجرای نیابت قضائی یا ابلاغ اوراق قضائی ممکن است مورد قبول واقع نشود، مثلاً رسمیت سند ثابت نشده باشد یا قوه قضائیه کشوری که از آن درخواست تعاون قضائی شده صلاحیت رسیدگی نداشته یا ابلاغ و نیابت قضائی مخالف نظم عمومی یا حقوق داخلی کشور متقاضی عنه باشد و یا شخصی که تقاضای تعقیبش شده در خاک کشوری که از او تقاضا شده است نباشد. لذا کشوری که تقاضای تعاون قضائی از او شده است تقاضا را رد خواهد نمود.

### **بند چهارم: معاهدات مرزی**

در مواردی که جرم در نواحی سرحدی به وقوع می پیوندد و مرتکب یا مرتکبین آن به کشور همسایه پناهنده می شود با استناد به موافقت نامه های مرزی می توان مبادرات به تقاضای استرداد مجرمین نمود، عهدنامه های انتظامات مرزی معمولاً برای حل و فصل اختلافاتی که در ناحیه مرز بوجود می آید به امضاء میرسد و براساس آن حوادثی که در منطقه سرحدات بین دو کشور اتفاق می افتد مورد رسیدگی قرار می گیرد. دولت ایران نیز با دول همسایه موافقتنامه هایی در جهت حفظ امنیت مرزها منعقد نموده است و لذا از این طریق نیز اشخاصی که در مرز جنحه یا جنایتی انجام داده و به کشور مقابل متواری میشوند به کمک مقامات مرزی و یا از طریق سیاسی یعنی مبادله یادداشت بین وزارت امور خارجه دو کشور همسایه تحویل مقامات کشور محل وقوع جرم داده می شوند. در مواردی که بین ایران و دول خارجه عهدنامه استرداد مجرمین منعقد شده است و یا اگر قراردادی وجود دارد تمام موارد لازم در آن ذکر نشده است استرداد مطابق قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۹ و شرط معامله متقابل انجام خواهد شد. این قانون شرایطی را که براساس آن مجرم استرداد خواهد شد ذکر نموده است.

### **بند پنجم: پلیس بین المللی (اینترپل)**

برای تسهیل دستگیری مجرمینی که به کشورهای دیگر فراری می شوند مؤسسه پلیس بین الملل همکاری می نماید. این مؤسسه که مقر اصلی آن در پاریس است و دولت جمهوری



اسلامی ایران نیز از اعضای آن بشمار می رود در دستگیری، اعاده، و تحویل مجرمین همواره با دولت های عضو همکاری نزدیک داشته و از نظر ارتباط سریعی که با همکاران خود در کشورهای دیگر دارد در موارد فرار مجرمین می تواند مؤثر باشد و مانع از فرار آنها به کشورهای دور دست شود. علیرغم مقرراتی که در کلیه کشورها در مورد استرداد مجرمین وجود دارد نکته قابل توجه در زمینه امر استرداد مجرمین کاملاً به روابط سیاسی بین کشورها بستگی پیدا کرده و نتیجتاً وقتی بین دو کشور روابط دیپلماتیک نزدیک موجود باشد طبیعتاً در موضوع استرداد مجرمین نیز با یکدیگر همکاری می نمایند. لیکن در مواردی که اصولاً روابطی بین دو کشور وجود ندارد و یا اگر روابطی هست برپایه و اساس دوستانه قرار نگرفته است مسلماً کوششی در جهت تحویل و اعاده مجرمین به عمل نمی آید. (نیک انجام، ۱۳۸۹، ۸۶ الی ۹۰)

### بخش دوم: نحوه رسیدگی به استرداد مجرمین در ایران

برای رسیدگی به تقاضای استرداد، در ایران از روش قضایی تبعیت شده است. (ماده ۱۳ قانون استرداد مجرمین)

مجرم: تقاضانامه استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد شد. در صورتی که وزارت دادگستری استرداد را منطبق با مقررات این قانون تشخیص دهد، پرونده امر را به دادسرای شهرستان محلی که شخص مورد تقاضا در آن سکونت دارد و یا اگر شخص مورد تقاضا محل سکونت معلومی نداشته باشد، به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد نمود، که در جلب و بازداشت او اقدام نماید.

دادستان: دادستان عمومی ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت، تحقیقات لازمه را از شخص مورد تقاضا بعمل می آورد و پس از اقدامات لازم پرونده امر را به دادگاه صالحه می فرستد. همچنین دادستان عمومی می تواند، در موارد فوری، بنا به درخواست مستقیم مراجع قضایی کشور تقاضا کننده، شخص مورد تقاضا را بازداشت کند؛ مشروط به اینکه در تقاضانامه قید شده باشد که اوراق و مدارک استرداد ارسال خواهد شد.



رسیدگی در دادگاه: دادگاه در جلسه ای خارج از نوبت، موضوع را مورد بررسی قرار می دهد. شخص بازداشت شده به هنگام طرح پرونده در دادگاه می تواند برای خود وکیل مدافع و در صورت نیاز مترجم انتخاب کند. چنانچه رأی دادگاه بر رد استرداد صادر شود، شخص بازداشت شده باید فوراً آزاد گردد؛ و اگر رأی قطعی مبنی بر قبول استرداد باشد، وزارت دادگستری دستور اجرای آن را به دادستان صادر می کند و مراتب رابه اطلاع وزارت امور خارجه خواهد رساند تا به دولت تقاضا کننده اعلام کند.

اجرای حکم: با توجه به ماده ۱۸ قانون استرداد مجرمین، اجرای حکم استرداد با دادستان عمومی است (دادستان حوزه دادگاه صادر کننده حکم)؛ چنانچه ظرف مدت یکماه از تاریخ اعلام وزارت امور خارجه، از طرف مقامات دولت تقاضا کننده اقدامی در تحویل گرفتن شخص مورد تقاضا بعمل نیامد، نامبرده فوراً آزاد می شود و دیگر استرداد او به جهاتی که قبلاً تقاضا شده قبول نخواهد شد.

عبور ترانزیت و هزینه استرداد مجرمین: اگر دولتی بخواهد شخصی را که از دولت دیگر استرداد نموده است بطور ترانزیت از کشور ایران عبور دهد برابر ماده ۲۵ قانون استرداد مجرمین باید بدو از طریق سیاسی از دولت ایران تحصیل اجازه نماید. هزینه استرداد و عبور ترانزیت طبق ماده ۱۳ قانون استرداد مجرمین به عهده دولت تقاضا کننده است. اجازه عبور ترانزیت از طرف وزارت امور خارجه، به شرط معامله متقابل داده می شود. ممکن است شخص مجرم در ایران مرتکب جرم شده باشد، در این صورت با توجه به اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری دولت ایران خود حق تقدم در تعقیب و محاکمه دارد و استرداد امکان پذیر نیست. همچنین ممکن است شخص مورد تقاضا بدون ارتکاب جرمی در داخل قلمرو دولت ایران، جرمی را علیه مصالح و امنیت خارجی کشور انجام داده باشد که در این صورت نیز موردی برای استرداد مجرم در بین نیست. بند سوم ماده ی ۸ قانون استرداد مجرمین به همین موضوعات اشاره دارد. (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ۱۰۴) به موجب اصل خاص بودن استرداد مجرمین، شخصی را که استرداد وی مورد قبول واقع شده، نمی توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب گردیده مورد تعقیب قرار داد یا مجازات نمود، مگر با جلب رضایت



دولت مسترد کننده (ماده ۲۳ قانون استرداد مجرمین) که این امر نیز از طریق سیاسی باید به عمل آید. اما در صورتی که این دو جرم لازم و ملزوم یکدیگر بوده یا به طریقی به یکدیگر ارتباط پیدا کنند مانعی ندارد که به هر دو جرم رسیدگی شود. استرداد مجرمین در مورد مجرمان در همه ی جرایم کاربرد ندارد و فقط جرایم عمومی را شامل می‌شود. یعنی جرایمی نظیر قتل، کلاهبرداری، سرقت، رشوه، اختلاس و ... اما جرم‌های سیاسی و نظامی را شامل نمی‌شود. این موضوع به شکل خاص در قراردادها ذکر شده است. به عبارت دیگر این خواسته ی دولت‌هاست که مجرمان سیاسی مشمول این قراردادها نشوند و فقط جرایم عمومی که اهمیت بیشتری دارند و برای امنیت و نظم کشورها مشکل آفرین هستند موضوع قرارداد باشند. قرارداد استرداد مجرمان به نفع مردم، دستگاه قضایی و دولت است. با این اتفاق هم مردم اطمینان بیشتری به اجرای عدالت و برقراری امنیت پیدا خواهند کرد و هم دولت‌ها اجازه نمی‌دهند کشورشان به محلی برای تجمع و زندگی مجرمان تبدیل شود. (شریعت باقری، ۱۳۹۵)

### بخش سوم: مشکلات استرداد مجرمین به ایران

برخلاف رهیافت اروپایی که مشکلات و تنش‌های زیادی برای کشورهای جهان سوم در بردارد، رهیافت سازمان ملل تنش کمتری ایجاد می‌کند. علت این امر هم روشن است، زیرا مخاطب سازمان ملل کشورهای مختلف جهان با فرهنگ‌ها، سنن و قواعد حقوقی گوناگون است و تقریب بین این فرهنگ‌ها مستلزم بیان قواعدی با کمترین تنش و تقابل است. سازمان ملل نیز در مقدمه معاهده خود، ارتباط معاهده استرداد با معاهدات حقوق بشر و دیگر اسناد قضایی را متذکر میشود و نیز یادآور شده که قوانین و معاهدات کنونی استرداد در کشورها با شرایط روز سازگاری ندارند. (ظاهر محمدی، ۱۳۹۰، ۱۲) در چنین مواردی می‌توان براساس اصل عمل متقابل که در علم حقوق و قانون استرداد مجرمین وجود دارد اقدام کرد. اگر ایران با کشور مورد نظر ارتباط دوستانه و خوبی داشته باشد هر چند قراردادی هم وجود نداشته باشد می‌تواند در خواست خود مبنی بر استرداد مجرم را مطرح کند و آن کشور نیز بپذیرد. در واقع روابط بین دولت‌ها گاهی بیشتر و بهتر از وجود قرارداد عمل می‌کند. چرا که ما در





مواردی با برخی کشورها قرارداد هم داشته ایم اما به خاطر تیره بودن روابط، آنها به قرارداد عمل نکرده اند و از آنجا که در حقوق بین الملل دادگاهی برای رسیدگی به این نوع شکایت‌ها وجود ندارد در عمل این نقض قراردادهای بی جواب می‌ماند.

### بخش چهارم: احکام و شرایط استرداد مجرمین در کانادا

استرداد شامل تسلیم شدن یک فرد توسط دولت (مانند کانادا) به ایالت دیگر و یا در برخی موارد، به یک سازمان بین المللی، برای محاکمه از آن شخص توسط دولت دریافت کننده و یا سازمان است که اجازه می‌دهد. طبق قانون سنتی بین المللی، هیچ تعهد به تسلیم شدن یک فرد به حالت دیگری وجود ندارد. کشورهای دوست با کانادا شروع به بستن پیمان با یکدیگر می‌کنند که در نهایت موجب گسترش روابط است، توافق مشترک به این معاهدات استرداد و شرایط استاندارد آن، توافق بین المللی "چند جانبه" و یا کنوانسیون است. کار وزیر فدرال امور خارجه در کانادا، که مدیریت مشارکت کانادا در معاهدات استرداد و کنوانسیون را دارد هماهنگی با وزیر فدرال دادگستری برای استرداد مجرمین است. کشورهای زیر به عنوان داشتن قراردادهای استرداد با کانادا ذکر شده است: آلبانی، آرژانتین، اتریش، بلژیک، بولیوی، شیلی، کلمبیا، کوبا، چکسلواکی، دانمارک، اکوادور، السالوادور، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، گواتمالا، هائیتی، هنگ کنگ، مجارستان، ایسلند، هند، اسرائیل، ایتالیا، کره، لتونی، لیبیا، لیتوانی، لوکزامبورگ، مکزیک، موناکو، هلند، نیکاراگوئه، نورژ، پاناما، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، پرتغال، رومانی، سان مارینو، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، تایلند، ایالات متحده و اروگوئه. در سال ۱۹۹۹، کانادا در یک قانون به جای قانون سال ۱۸۷۷، استرداد جدید را به ارمغان آورد که قانون جدید ساخته شده تغییرات اساسی به رژیم موجود است.<sup>۱</sup> قانون استرداد دارای منحنی شدید به دلیل فعل و انفعال بین کیفری، اساسنامه و قوانین بین المللی است. در سال ۱۹۹۹ اصلاحات قانون استرداد در کانادا برای حذف یک سیستم دوگانه، که یکی با همکاران مشترک منافع بریتانیا و دیگری برای سایر کشورهای جهان بود، صورت گرفت. همچنین موجب حذف سیستم اداری طولانی برای استرداد قبل از اصلاحات شد، فقط

<sup>۱</sup> . <http://laws.justice.gc.ca/en/E-23.01>





به استثنای جرم های خاص ذکر شده در این قانون که استرداد آن به راحتی در دسترس نباشد، روند جدید به جای نیاز به یک تجزیه و تحلیل جرم مورد اتهام که موجب استرداد است و یک جرم مشابه غالب در کانادا، به یک مدت حبس مقرر از حداقل دو سال (پنج در برخی موارد)، به "جرم و جنایت دوگانه" تست خواهد شد برآورده شده است. در تئوری، از جرم و جنایت دوگانه استرداد یک فرد متهم به ارتکاب صرفاً سیاسی جلوگیری می کند. کانادا نیز در حال حاضر توانایی به استرداد بر اساس مورد به مورد را دارد فقط با توجه به اینکه آیا یک معاهده استرداد جامع در محل وجود دارد یا نه. با این حال، در تمام موارد، باید یک توافق بین کانادا و کشور دریافت کننده یا یک معاهده، یک قرارداد چند جانبه با شرایط خاص برای استرداد وجود داشته باشد.

### بند اول: روند استرداد در کانادا

وزیر دادگستری باید تعیین کند که اجازه از آغاز رسیدگی به استرداد در دادگاه کانادا با صدور "اختیارات به ادامه"؛ که در آن نهاد برای ادامه صادر شده است، که آیا شواهد کافی برای توجیه بازداشت فرد برای استرداد وجود دارد؛ که آن فرد برای استرداد مرتکب شده است، وزیر دادگستری شخصاً باید تصمیم بگیرد که فرد تسلیم به دولت های خارجی شود. یک فرد به دنبال استرداد ممکن است تقاضای خود را برای تجدید نظر و بررسی قضایی تسلیم وزیر کند. در تمام موارد، رفتار که موجب استرداد است باید در نظر گرفته شود رفتاری که هم در کشور درخواست کننده و هم در کانادا جرم باشد و مستلزم استرداد گردد. و آن را به عنوان "جنایت دوگانه" شناخته شده باشد. مقامات مرکزی در خارج از کانادا تماس با IAG برای تعیین آنچه مورد نیاز است را به درخواست استرداد به کانادا، از جمله الزامات مدارک، و آیا بازداشت موقت در یک وضعیت مناسب داده است.<sup>۱</sup>

### بند دوم: قانون حمایت از مهاجرت و پناهندگی در کانادا

اگر شخصی تحت قوانین و مقررات مربوط به حمایت از مهاجرت و پناهندگی کانادا بازداشت شده است توسط اداره خدمات مرزی کانادا اقدامات ذیل صورت می گیرد: ۱-

<sup>۱</sup> . <http://www.justice.gc.ca/eng/cj-jp/emla-eej/tocan-aucan.html>

تکمیل یک آزمایش را لازم دانسته؛ ۲- از اطلاعات مربوط به هویت شخص راضی نبوده؛  
۳- به دلیل اعتقاد داشته که ورود شخص به کانادا مجاز نیست و خطری برای عموم مردم به حساب می آید، بعید به نظر می رسیده که فرد مورد نظر برای انجام آزمایش ها، در جلسه محکمه برای پذیرفته شدن، بیرون رانده شدن از کانادا یا روندی که منجر به دستور بیرون رانده شدن شخص بشود حضور یابد؛ یا دلیلی داشته که شک کند فرد مورد نظر به خاطر مسائل امنیتی، نقض حقوق بشر یا حقوق بین المللی، ارتکاب جدی جرم، مجرمیت یا مجرمیت سازمان یافته مجاز به پذیرفته شدن در کانادا نبوده است؛

خط مشی رفتار با بازداشت شدگان: در تمام مدت نسبت به شخص بازداشت شده با وقار و احترام رفتار خواهد شد. شخص را از حق و حقوق خود مطلع می سازند، و به وی امکان استفاده از حق و حقوقش را می دهند و از وضعیت پرونده اش مطلع می سازند.

کودکان: اداره خدمات مرزی کانادا فرزندان زیر ۱۸ سال را در صورتی که چاره دیگری وجود نداشته باشد بازداشت می کند. چنانچه فرزندان داشته باشید، اداره خدمات مرزی کانادا با توجه به پرونده خاص شما با دقت منافع آنها را در نظر می گیرد. یک مأمور اداره خدمات مرزی کانادا عواملی چون امکانات موجود برای جایگزینی را در ارتباط با مراقبت از کودکان، شامل اعضای خانواده شما، پیش بینی طول بازداشت شما و چنانچه اقتضاء کند محل اقامت و خدماتی که برای فرزندان تان موجود باشد ارزیابی می کند. چنانچه به نفع فرزندان باشد، آنها مجاز خواهند بود که همراه والدین در مرکز نگه داری اداره مهاجرت بمانند. این مرکز محلی هایی جداگانه برای زندگی خانواده ها دارد. بر مبنای مدت اقامت والدین، فرزندان دسترسی به یک معلم خواهند داشت. مقامات استانی ممکن است با والدین تماس بگیرند و فرزندان می توانند تحت پوشش خدمات رفاهی کودکان استان قرار بگیرند. در این صورت، ترتیبی داده خواهد شد که فرزندان به دیدار شما بیاید.

تسهیلات بازداشتگاه: در ابتدا ممکن است فرد در دفتر یک اداره خدمات مرزی کانادا یا در محل ورود نگه داری شود (مرز زمینی یا دریایی، فرودگاه، و غیره). سپس ممکن است یا در مرکز نگهداری مهاجرت اداره خدمات مرزی کانادا (لاوال، کبک؛ تورنتو، انتاریو؛ یا



ونکوور، بریتیش کلمبیا) یا دریک بازداشتگاه تأدیبی استانی نگه داشته شود. محل نگه داری بستگی به موجود بودن محل و ارزیابی درجه ی خطر یا ریسک فرد نسبت به خود یا دیگران است. اداره خدمات مرزی کانادا معتقد است که فرد، خود یا دیگران را به خطر خواهد انداخت. اماکن اداره خدمات مرزی کانادا می توانند مردان، زنان و خانواده ها را جا دهند. در بعضی موارد، اگر خانواده ای بازداشت شده باشد، ممکن است فرزندان همراه با یکی از والدین در یک بخش جداگانه بمانند. ترتیبی داده خواهد شد که خانواده ها بتوانند در مدت اقامت شان از یکدیگر دیدار کنند. اداره خدمات مرزی کانادا مسئول است که اطمینان یابد محیط بازداشت فرد امن و محفوظ است. به حریم خصوصی فرد احترام گذاشته خواهد شد تلاش مناسب برای انجام نیازهای جسمی، روحی و معنوی فرد که مناسب با فرهنگ باشد انجام خواهد گرفت. اداره خدمات مرزی کانادا از نظرات فرد در مورد وضع بازداشت استقبال خواهد کرد.

حق و حقوق فرد: این حق فرد است که توسط یک مشاور به خرج فرد یا از طریق دریافت کمک مالی حقوقی، در صورتی که استحقاق آن را داشته باشید، استفاده کند. اطلاعات لازم در باره خدمات حقوقی موجود در اختیار گذاشته خواهد شد. همچنین می تواند یک دوست یا عضوی از یک سازمان یا انجمن را بعنوان نماینده خود برگزیند. حق دارد دلیل بازداشت خود را بداند. حق دارد که با سفارت خانه خود یا نماینده کشور خود تماس بگیرد. چنانچه مایل به تماس با یک مشاور بعنوان نماینده خود نیست، می تواند تقاضا کند که کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان<sup>1</sup> در کانادا از بازداشت مطلع گردد اگر اقدامات مربوط به جریان کار فرد (که شامل بررسی های مربوط به بازداشت، جلسه های محکمه مربوط به مهاجرت، و غیره) را نمی فهمد یا زبانی را که جریان کارتان در آن انجام می گیرد نمی داند، حق دارد توسط یک مترجم کمک شود. چنانچه یک فرد صغیر کمتر از ۱۸ سال



<sup>1</sup> . United Nations High Commissioner for Refugees /Haut-Commissariat des Nations Unies pour les réfugiés

هست، یا به عقیده بخش مهاجرت هیئت مدیره مهاجرت و پناهندگی<sup>۱</sup>، قادر به درک ماهیت جریان کار نیست، ممکن است یک نماینده برای کمک به فرد در طول روند کار انتخاب شود.

تصمیمات مبنی بر ادامه بازداشت یا ترخیص: ۱. قبل از بررسی اولین بازداشت در صورتی که یک مأمور اداره خدمات مرزی کانادا معتقد باشد که دلایل بازداشت دیگر وجود ندارد یا نگرانی را می توان بوسیله یک ضمانت نامه تسهیل کرد، ممکن است فرد ترخیص شوید. طی چهل و هشت ساعت (یا هر چه زودتر بعد از آن)، بخش مهاجرت هیئت مدیره مهاجرت و پناهندگی بازداشت فرد را مورد بررسی قرار خواهد داد. تصمیم گیرنده (عضو) بخش مهاجرت مستقل از اداره خدمات مرزی کانادا کار می کند. ۳. پس از هفت روز چنانچه فرد هنوز در بازداشت به سر می برد، پرونده بوسیله هیئت مدیره مهاجرت و پناهندگی طی هفت روز مجدداً بررسی خواهد شد. ۴. هر سی روز یکبار، پس از هفت روز بررسی، پرونده باید حداقل هر سی روز یکبار بوسیله هیئت مدیره مهاجرت و پناهندگی مجدداً بررسی گردد. ۵. فرد باید در هر بررسی حاضر باشید. ۶. در هر زمان قبل از تاریخ تعیین شده برای بررسی، فرد می تواند درخواست کند که این بررسی زودتر انجام شود در صورتی که حقایقی جدید چنین درخواستی را توجیه کند. درخواست باید کتبی باشد و به بخش مهاجرت هیئت مدیره مهاجرت و پناهندگی، که تصمیم گیرنده قبول یا رد درخواست فرد است ارائه گردد. یک نسخه از این درخواست به اداره ی خدمات مرزی کانادا باید ارائه شود.

آزادی از بازداشت: پس از بررسی، یک عضو از بخش مهاجرت هیئت مدیره مهاجرت و پناهندگی یا دستور خواهد داد که فرد همچنان در بازداشت باقی بماند یا از بازداشتگاه ترخیص شود. هیئت مدیره مهاجرت و پناهندگی ممکن است شرایطی برای ترخیص تعیین کند که شامل:

<sup>1</sup>. Board [IRB] / Commission de l'immigration et du statut de réfugié [CISR Immigration and Refugee



\*یک سپرده: این سپرده پولی است که برای اطمینان از اینکه فرد از شرایط تعیین شده برای آزادی از بازداشتگاه تبعیت خواهد کرد ارائه خواهد شد. بطور کلی، این پول شش تا هشت هفته پس از خاتمه پرونده برگشت داده می شود، به شرط آنکه کلیه شرایط ترخیص انجام شده باشد.

\* یک ضمانت: این نیاز به یک سپرده ندارد. چنانچه فرد به شرایط تعیین شده برای آزادی عمل نکند ضامن (کسی که باید یک شهروند یا یک مقیم دائم کانادا باشد) قول می دهد که مبلغی پول بپردازد. چنانچه ضامنی داشته باشد، قبل از بسته شدن پرونده مهاجرت آنها بطور طبیعی از پرداخت تعهدات خود معذور نخواهند شد.

نقض شرایط: چنانچه فرد در انجام شرایط آزادی خود موفق نشود، پولی که توسط ضامن ارسال شده یا قول آن داده شده ممکن است از دست برود و یا ممکن است به بازداشتگاه برگرداده شوید.<sup>۱</sup>

### بند سوم: پرونده ی آقای خاوری

(آقای خاوری مدیر عامل بانک ملی ایران بود و تابعیت خارجی وی مورد پذیرش ایران نبوده و مورد تصویب هیأت وزیران نیز واقع نشده و حتی از فحوای سخنان او چنین برداشت می شود که از آن اطلاع نیز نداشته است. بنابراین محول کردن سمت مدیریت عامل بزرگ ترین بانک دولتی ایران (و جهان اسلام) به مشارالیه نه تنها از نظر امنیتی به صلاح نبوده و مورد ایراد است (شخص به هنگام تحصیل تابعیت بیگانه متعهد به قوانین و ارزش های معنوی کشور بیگانه می شود که به احتمال زیاد این تعهد و سوگند با منافع و ارزش های ایران مابینت دارد)، بلکه از نظر قانونی نیز سپردن این سمت به وی منع قانونی داشته است (ماده ۹۸۹). از قرار معلوم آقای خاوری برای مسافرت کاری از ایران به انگلیس و از آنجا نیز از طریق شهر فرانکفورت به کشور کانادا که تبعه آن محسوب می شود رفته است و احتمالاً این سفر از انگلیس با گذرنامه و اوراق هویت کانادایی صورت گرفته است که به موجب قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران (مصوب ۱۳۱۰/۲/۱۹) مأموران ایرانی از دادن ویزا به وی

<sup>۱</sup> . www.cbsa-asfc.gc.ca

خودداری خواهند کرد.) در این مورد بیان چند نکته ضروری است: نخست اینکه وی هم ایرانی است و هم کانادایی یعنی دو تابعیتی است. در قانون استرداد نیز قاعده‌ای کلی وجود دارد مبنی بر اینکه دولت‌ها تبعه خود را تحویل نمی‌دهند. یعنی اگر یک ایرانی در کشور دیگری مرتکب جرمی شود و به ایران فرار کند دولت ایران هرگز او را تحویل نمی‌دهد. این به معنای فرار از مجازات نیست بلکه از دولت مورد نظر می‌خواهد که دلایل و مدارک لازم مبنی بر مجرم بودن فرد را به ایران بدهد تا او را در دادگاه‌های کشور محاکمه و مجازات کند. بنابراین نخست اینکه بگوییم وی تبعه ایران است و از کشور کانادا بخواهیم او را به ایران تحویل دهد. هر چند که ما با کشور کانادا قرارداد استرداد مجرمان نداریم اما براساس همان اصل عمل متقابل اگر رابطه خوب باشد می‌شود این کار را کرد. فرضیه دوم این است که تابعیت ایرانی‌اش را نادیده بگیریم و با ارسال مدارک و مستندات ارتکاب جرم از کشور کانادا بخواهیم او را در دادگاه‌های همانجا محاکمه کنند. هر چند که از نظر عرفی نمی‌توان آنها را مجبور به این کار کرد. اما واقعیت این است که فرضیه دوم با قوانین ما همخوانی ندارد. چرا که در ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران آمده است: هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از سال ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد، تابعیت خارجی او به رسمیت شناخته نشده و ایرانی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر ایرانی، ایرانی است. در مورد خاوری هم هر چند ما نمی‌توانیم تابعیت او را باطل کنیم اما آن را به رسمیت نمی‌شناسیم. پس در نتیجه حالا که مرتکب جرم شده باید درخواست استردادش را بدهیم که امیدوارم این اتفاق افتاده باشد.

## بخش پنجم: معاهدات قضایی مهمترین عامل بازدارنده پیشگیری جرایم سازمان یافته

معاهدات قضایی عامل بازدارنده‌ای برای پیشگیری از جرایم سازمان یافته یا جرایم دسته جمعی است تا در این صورت مجرم با فرض عدم دسترسی دستگاه قضایی کشور متبوع خود در کشور دیگری مقیم و پناهنده نشوند. بررسی معاهدات دوجانبه در زمینه‌های معاضدت قضایی با توجه به اهمیت روزافزون همکاری‌های بین‌المللی در گسترش عدالت و مبارزه با



جرم و اهمیت و تأثیر اقدامات مراجع قضایی در نحوه همکاری متقابل کشورهای دیگر امری بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در سال‌های اخیر، قوانین مختلفی در زمینه معاضدت قضایی بین ایران و دیگر کشورها به تصویب رسیده است و این دلیلی بر صحت این ادعا است. معاضدت قضایی در حقیقت یک نوع همکاری در حوزه دو دستگاه قضایی کشورهایی است که در این زمینه قرارداد دو جانبه منعقد می‌کنند، به عنوان مثال در امور کیفری بعد از تحقیقات و بازپرسی و جمع‌آوری اطلاعات رابطه قضایی و معاضدت قضایی با یک کشور صورت می‌گیرد و بعد در اختیار کشور مورد نظر قرار خواهد گرفت که کشور مذکور به آن استناد کند. در رابطه با محکومان و یا متهمان مربوط به ارتکاب جرم یا جرایم خاص این موضوع مطرح و اعمال می‌شود. چنانچه فردی جرم غیرسیاسی مرتکب شده و در کشور دیگر مقیم و یا پناهنده شود به طوری که دسترسی کشور مبدأ به وی فراهم نباشد، دادگاه‌های داخلی طبق آیین‌نامه‌های قانون دادرسی از فرد مجرم تقاضای بازگشت به کشور می‌کنند و یا در صورتی که کشور مبدأ با کشور مقصد قرارداد دو جانبه‌ای در زمینه استرداد مجرمین منعقد کرده باشند این مهم را از طریق همکاری دستگاه‌ها و پلیس قضایی کشور مقصد پیگیری می‌کنند. در حوزه قضایی معمولاً این همکاری‌ها می‌تواند در محورهای مختلف نظیر استرداد مجرمان، انتقال محکومان، انتقال دادرسی معاضدت قضایی در امور حقوقی و کیفری، استرداد اموال منقول و مواردی از این دست است که برای رسیدن به آن یکسری ابزارهای حقوقی معاهدات چندجانبه بین‌المللی بین کشورها منعقد می‌شود. با توجه به آنچه در تاریخ قانونگذاری کشور ما ثبت شده است، در تاریخ فعالیت‌های بین‌المللی در حوزه معاضدت قضایی از ابتدایی که عدلیه و دادگستری در کشورمان تأسیس شده تا سال ۱۳۷۶ در مجموع ۴ موافقتنامه یا قرارداد معاضدت قضایی ثبت شده است. این ۴ موافقتنامه عبارتند از: معاهده استرداد مجرمان و متهمان جرایم که با کشور افغانستان است (مصوب ۱۳۰۷) و بعد استرداد مقصران و تعاون قضایی در امور جزایی و تعاون قضایی که با ترکیه منعقد شد. در سال ۱۳۱۶، معاهده استرداد مقصران که در سال ۱۳۳۹ با پاکستان منعقد و آخرین قراردادی که قبل از انقلاب منعقد شد، مربوط می‌شود به قرارداد استرداد مجرمان با فرانسه که در سال ۱۳۴۲ به تصویب مجلس وقت





رسیده است. در اوایل پیروزی انقلاب، اصولاً کشورها چندان رویکردی به این موضوع نداشتند اما در سال‌های اخیر، قراردادهای مختلفی در این خصوص به تصویب رسیده است. ۲۳ قرارداد استرداد، ۱۳ قرارداد انتقال محکومان، ۱۸ قرارداد معاضدت قضایی در امور مدنی، ۱۹ قرارداد معاضدت قضایی در امور کیفری که در حال طی کردن پروسه تصویب هستند که به استناد اصل ۱۷۷ قانون اساسی باید در مجلس شورای اسلامی مطرح و به استناد اصل ۷۲ قانون اساسی، مصوبه شورای نگهبان را اخذ و جنبه عملی و اجرایی پیدا کند. همکاری‌های بین‌المللی نشان‌دهنده وحدت سیاسی بین کشورها است که در جهت جلوگیری از جرم و گسترش عدالت دنبال می‌شود و در این صورت راه برای مجرمان بسته می‌شود. بنابراین این همکاری‌ها اجازه نمی‌دهد افراد از سکوت قانون در کشوری و یا عدم وجود رابطه قضایی بین کشوری سوءاستفاده کنند. معاهدات قضایی عامل بازدارنده‌ای برای پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته یا جرایم دسته جمعی است تا در این صورت مجرمین با فرض عدم دسترسی دستگاه قضایی کشور متبوعشان در کشور دیگری مقیم نشوند.<sup>۱</sup>

### بخش نهم: استرداد و اخراج مجرمین در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰ که در سپتامبر سال ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا گردید، گامی مهم در اجرای جنبه‌های خاصی از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ می‌باشد (زمانی، ۱۳۸۶، ۳۱) که به لحاظ تضمین اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون، ابتدائاً کمیسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۲</sup> و دیوان اروپایی حقوق بشر<sup>۳</sup> تأسیس گردید. سپس کمیسیون به موجب پروتکل الحاقی شماره ۱۱ حذف و از آن پس دیوان اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۹۸ به طور مستقل کار خویش را آغاز نمود. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یکی از موفق‌ترین نظام‌های حقوق بشری دنیا تلقی می‌شود. دیوان صلاحیت رسیدگی به دادخواست‌های فردی<sup>۴</sup> یعنی، دادخواست‌هایی که توسط هر شخص، سازمان غیر دولتی یا گروهی از افراد که

۱. <http://www.humanrights-iran.ir/news-33329.aspx>

۲. European commission of human rights.

۳. European court of human rights.

۴. ماده ۳۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.





مدعی نقض حقوق مندرج در کنوانسیون یا پروتکل‌های آن هستند و همچنین دادخواست‌های دولتهای عضو نسبت به یکدیگر<sup>۱</sup> را دارا می‌باشد؛ مضافاً اینکه دیوان می‌تواند به درخواست کمیته وزرا - موضوع ماده ۴۷ کنوانسیون - در خصوص مسائل حقوقی مربوط به تفسیر کنوانسیون، نظریه‌های مشورتی صادر نماید (زمانی، ۱۳۸۶، ۴۳). بر این اساس، درست است که استرداد رابطه بین دو دولت است و اخراج فرمان حاکمیتی یک دولت است، با این وجود امروزه در عرصه حقوق بین‌الملل، فرد در تجزیه و تحلیل‌ها، صاحب حق یا موضوع حق قرار گرفته است. با رویه‌ای که دیوان اروپایی حقوق بشر اتخاذ نموده است، افراد خصوصی نیز حتی بر خلاف تصمیم دولت محل اقامتشان، می‌توانند به این دیوان شکایت کرده و بعضاً به نفع خود موفق به اخذ رأی گردند. بدین معنا که، در صورت قصور کشورها در احترام به مواد کنوانسیون، کشور محل اقامت با افرادی که به طور مستقیم از نقض حقوق بشر به دلیل استرداد و یا اخراج متضرر می‌شوند دچار یک کشمکش قانونی می‌گردند که نهایتاً حل این تعارض در دیوان اروپایی حقوق بشر از طریق یک فرآیند قانونی صورت می‌گیرد. شکل قانونی این روش در برگیرنده مجموعه‌ای از اظهارات طرفین دعوا اعم از اسناد و ادله ارائه شده به دادگاه و همچنین دفاعیات کشورها می‌باشد. در این فرآیند کشورها می‌بایست دفاع مفصلی در خصوص این کشمکش قانونی با تأسی به تبعیت از مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ارائه نمایند. و این وظیفه دیوان است که مشخص کند که آیا و تا چه حد دفاعیات کشورها با الزامات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطابقت دارد. نکته دیگر اینکه رسیدگی دیوان اروپایی حقوق بشر به استناد مواد کنوانسیون و همچنین تصمیمات و احکام دیوان در موارد مشابه خواهد بود که در نتیجه، این دو روش مجموعه‌ای از رویه‌های قضائی قانونی را شکل خواهد داد<sup>۲</sup>. نهایت اینکه احکامی که در موارد منع اخراج و استرداد از دیوان صادر می‌گردد، در بردارنده مباحثی است در جهت تأکید مجدد بر حمایت و احترام به حقوق اساسی مورد استناد در رأی و استناد به موادی از کنوانسیون که مانع اخراج و استرداد فرد می

<sup>۱</sup> ماده ۲۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

<sup>۲</sup> Langford, ۲۰۰۹, ۵۱۳.

شود. همچنین در صورتی که دیوان نقض کنوانسیون یا پروتکل های آن را در روند استرداد و یا اخراج یک نفر اعلام نماید، می تواند در صورت لزوم برای متضرر بر اساس ماده ۴۱ کنوانسیون تأمین خسارتی منصفانه را تعیین نماید.<sup>۱</sup> و آنچه در اینجا حائز اهمیت است این است که این آراء می تواند در موارد مشابه مورد استناد طرفین قرار گیرد. در بحث ارتباط یا تأثیر مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در اخراج و یا استرداد مجرمین باید به این نکته اشاره کنیم که به موجب ماده یک کنوانسیون<sup>۲</sup> تعهد کشورهاست که به هیچ عنوان محدودیتی در خصوص اجرای آزادانه اصول حقوق بین الملل عمومی و همچنین محدودیت در تعهداتی که به موجب کنوانسیون بر عهده گرفته اند، اعمال ننمایند. براین اساس است که ایشان می بایست حقوق و آزادی های حقوق بشری را که در بخش یک کنوانسیون قید گردیده است برای هر کس که در قلمرو صلاحیت آنها قرار دارد، اجرا نمایند. لذا با عنایت به صراحت و جامعیت ماده یک کنوانسیون مبنی بر « رعایت اصول حقوق بشری در خصوص افرادی که در قلمرو ایشان قرار دارند»، کشورها نمی توانند با مطرح کردن موضوعاتی مانند عدم تابعیت و... نسبت به رعایت و یا عدم رعایت موازین حقوق بشری از ناحیه کشوری که متقاضی استرداد می باشد، یا کشوری که مجرم به آنجا اخراج می شود، بی تفاوت باشند؛ نتیجه اینکه کشورها به عنوان طرف های متعهد به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر متعهد به اعمال حقوق بنیادین بشری طی فرآیند اخراج یا استرداد از زمان دستگیری یک نفر تا زمان انتقال به کشور متقاضی می باشند و چنانچه اخراج و یا استرداد فرد را در معرض تضییع این حقوق در کشور متقاضی یا کشوری که فرد به آنجا اخراج می شود، قرار دهد، دولت عضو کنوانسیون موظف به اخذ تضمینات عینی از کشور مورد نظر در خصوص احترام به این حقوق بنیادین در صورت استرداد و اخراج، می باشند. همچنین پروتکل شماره ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد



<sup>۱</sup>. ماده چهل یکم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: « در صورتی که دیوان نقض کنوانسیون یا پروتکل های آن را اعلام کند و حقوق داخلی کشور متعاقد ذریبط صرفاً جبران خسارت جزئی را مجاز بداند، دیوان می تواند در صورت لزوم برای متضرر تأمین خسارتی منصفانه را تعیین کند.»

<sup>۲</sup>. ماده یک کنوانسیون: « اعضای معظم متعاقد باید برای هر کس که در قلمرو صلاحیت آنها قرار دارد، حقوق و آزادی های مندرج در بخش یکم این کنوانسیون را تأمین کنند.»

اخراج مواردی را بیان کرده است؛ ماده ۳ (۱) این پروتکل اشعار دارد که یک شخص یا یک جمع نباید از سرزمینی که تابعیت آن را دارند، اخراج گردند.<sup>۱</sup> ماده ۴ پروتکل شماره ۴ نیز در جهت احترام به کرامت انسانی، اخراج دسته جمعی خارجیان را ممنوع کرده است.<sup>۲</sup> نکته حائز اهمیت این است که در بخش های دیگر مقررات کنوانسیون محدودیتی در خصوص اخراج و استرداد نظیر آن چه که بیان شد، پیش بینی نشده است. مضافاً اینکه، هیچگونه حق و حقوقی در کنوانسیون برای خارجیان غیر از موارد بالا مقرر نشده است. هر چند این موضوع ممکن است در ذیل مواد استنادی دیوان در خصوص عدم اخراج و استرداد، لحاظ گردد؛ مشروط به اینکه متقاضی بتواند اثبات نماید که حقوقی که وی براساس این مواد دارد، در معرض تضییع قرار می گیرد. بنابراین واقعیت این است که در تمامی پرونده هایی که در دیوان اروپایی حقوق بشر در ارتباط با موارد اخراج و استرداد مطرح است، دیوان نظر دارد که: هر چند حقوق خارجیان در کنوانسیون پیش بینی نشده است، لکن تعهد کشورهاست که به هیچ عنوان محدودیتی در خصوص اجرای آزادانه اصول حقوق بین الملل عمومی شامل اعمال سلیقه در ورود و خروج خارجیان یا ایجاد محدودیت در تعهداتی که به موجب کنوانسیون عهده دار شده اند، اعمال نمایند.<sup>۳</sup>

## بخش هفتم: تأثیر مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر بر روند اخراج و استرداد مجرمین

در این قسمت موادی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص عدم اخراج و استرداد مورد استناد قرار گرفته اند، بررسی می گردد. این مواد که از مطالعه پرونده های مطروحه در این زمینه در دیوان اروپایی حقوق بشر و با عنایت به مواد استنادی این دیوان در خصوص عدم اخراج و یا استرداد حاصل می گردد؛ با توجه به عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر متغیر خواهد بود و چندان دور از ذهن نمی باشد که با گذشت زمان و گسترش میل و رغبت جامعه جهانی به اعمال حقوق بشر، مواد دیگری نیز در

<sup>۱</sup> . Ovey & white, 2006, 101

<sup>۲</sup> . Delmas-Marty, 2002, 175

<sup>۳</sup> . X v. Austria and Yugoslavia, Decision of 30 June 1964, no. 2143/64, (1964) 7 Yearbook 314 at 328.



مورد حکم عدم اخراج و یا عدم استرداد مورد استناد قرار گیرد. از این رو در حال حاضر، دادگاه اروپایی حقوق بشر، متهمین یا مجرمین به ارتکاب جرایمی را که در صورت اخراج از کشور و یا استرداد به کشور متقاضی در معرض تضییع حقوق مندرج در مواد ۲ «حق حیات»، ۳ «منع شکنجه»، ۵ «حق آزادی و امنیت»، ۸ «حق احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی» و ۱۳ «حق جبران مؤثر» کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار می‌گیرند، را در مقابل نقض این حقوق که کنوانسیون برای آنها به رسمیت شناخته است، حمایت می‌نماید. حال با این توضیحات در ذیل به بررسی این مواد و رویه دیوان در ارتباط با عدم اخراج و استرداد در جهت حفظ این حقوق می‌پردازیم:

اول - عدم استرداد و اخراج به استناد ماده دو کنوانسیون: ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حق هر شخص را نسبت به زندگی خود مورد حمایت قرار می‌دهد. بند اول این ماده شامل استثنائی است که آن، اعدام قانونی در پی حکم دادگاه می‌باشد. از طرفی بند دوم این ماده مرگ ناشی از دفاع از خود یا دیگری، دستگیری مظنون یا فراری، سرکوب شورش یا قیام به مقداری که ضروری باشد را نقض ماده ۲ نمی‌داند. البته در خصوص اعدام قانونی توسط حکم دادگاه، پروتکل‌های ۶ و ۱۳ محدودیت بیشتری برای آن دسته از کشورهای متعاقد کنوانسیون که این پروتکل‌ها را امضاء کرده‌اند، اعمال نموده است. پروتکل شماره ۶ الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر اروپا توسط شورای اروپا در ۲۸ آوریل سال ۱۹۸۳ تصویب شده و در مورد لغو مجازات اعدام است به جز در زمان جنگو حتی در زمان خطر قریب الوقوع جنگینز قابلیت اجرا ندارد.<sup>۲</sup> بر این اساس در سال ۲۰۰۲ پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق



۱. ماده دوم: «۱- حق حیات هر شخص باید به وسیله قانون حمایت شود. هیچ کس نباید عمداً از حق حیات خویش محروم شود، مگر در اجرای حکم دادگاه در پی محکومیت وی به ارتکاب جنایتی که برای آن به موجب قانون مجازات مزبور مقرر شده است؛ ۲- هرگاه به کار گرفتن زور به یکی از دلایل زیر مطلقاً ضروری باشد و موجب سلب حیات گردد این امر نقض این ماده تلقی نخواهد شد:

الف) در دفاع از هر شخصی در مقابل تعدی غیر قانونی؛

ب) به منظور انجام دستگیری قانونی یا جلوگیری از فرار شخصی که قانوناً بازداشت شده است.

ج) در عملی قانوناً که به منظور سرکوب شورش یا قیام صورت می‌گیرد.»

۲ Council of Europe, ۱۹۹۴, ۲۸.



بشر مصوب گردید؛ که مجازات اعدام را در تمامی شرایط و به صورت مطلق لغو کرده است. بنابراین با توجه به متأخرالتصویب بودن پروتکل شماره ۱۳، در قضایای مطروحه در دادگاه اروپایی حقوق بشر که به استناد ماده ۲ و پروتکل های آن صادر گردیده، آن مرجع تنها اشاره ای به پروتکل شماره ۶ می کند و رأی را مستنداً به ماده ۲ و پروتکل شماره ۱۳ صادر می نماید. بنابراین می توان قائل شد که عملاً پروتکل شماره ۶ منسوخ تلقی می شود و با توجه به جامعیت پروتکل شماره ۱۳ دیوان دیگر به استناد پروتکل شماره ۶ حکم صادر نمی نمایند. البته این پروتکل نسبت به کشور هایی که پروتکل شماره ۱۳ را تصویب ننموده اند، لازم الاجرا خواهد بود. دیوان اروپایی حقوق بشر تا سال ۱۹۹۵ هیچ قاعده ای را بر حق حیات حاکم نکرده بود، لکن در قضیه McCann علیه انگلستان حکم کرد که در هیچ زمانی نمی توان حق حیات را سلب نمود جز در موارد مشمول بند دو از ماده دو. اما در هر حال، موقعیت هایی که در آن استفاده از زور مجاز است، ممکن است نتیجتاً منجر به مرگ و محرومیت از زندگی شود.<sup>۲</sup> همچنین دیوان برای دولت ها سه وظیفه اصلی را بر مبنای ماده دو برشمرد: ۱- ممنوعیت کشتن غیر قانونی؛ ۲- بررسی مرگ های مشکوک؛ ۳- در برخی شرایط باید از مرگ های قابل پیش بینی جلوگیری کنند.<sup>۳</sup> بنابراین، ماده ۲ کنوانسیون و ماده ۱ پروتکل شماره ۱۳ آن، در واقع استرداد یا اخراج اشخاص به کشور دیگری که خطر واقعی مواجهه فرد با مجازات اعدام در آن وجود دارد را در تمامی شرایط منع کرده است.<sup>۴</sup>

دوم- عدم استرداد و اخراج به استناد ماده سوم کنوانسیون:<sup>۵</sup> ماده سه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، از جمله مواردی است که غالب کسانی که در خصوص اخراج یا استرداد خویش به دادگاه اروپایی حقوق بشر، شکایت می نمایند، به این ماده استناد می کنند. این ماده در مورد ممنوعیت شکنجه و رفتار یا مجازات غیر انسانی و تحقیر آمیز است و هیچ گونه

1. R. Mowbray, 2007, 1032

2. McCann, Farrell and Savage v. United Kingdom, Judgment of 27 September 1995, (1996) 21 EHRR 97.

3. Ovey & white, ibid, 56

4. Mole, 2007, 53-55

۵. ماده سوم: « هیچ کس نباید تحت شکنجه و رفتار یا مجازات های غیر انسانی یا تزدیلی قرار گیرد. »

محدودیت یا استثنائی برای این حق قائل نشده است. این ماده به غیر از شکنجه، در موارد خشونت شدید پلیس و شرایط بد بازداشتگاه نیز اعمال می شود. <sup>۱</sup> دیوان اروپایی حقوق بشر در این خصوص تأکید می کند که ماهیت اساسی ماده سه این است که ممنوعیت ذکر شده در این ماده صرف نظر از رفتار قربانی، ممنوعیتی مطلق است. همچنین دیوان در موارد بسیاری حکم داده که کشورها نباید اشخاصی که ممکن است موضوع شکنجه، رفتار یا مجازات غیر انسانی و یا تحقیر آمیز در کشور گیرنده قرار بگیرند، را اخراج <sup>۲</sup> یا استرداد نمایند. <sup>۳</sup> البته در ابتدا دیوان مواردی را که مشمول موضوع شکنجه می گردید به صورت مضیق تفسیر می نمود؛ بدین معنا که در ابتدا حکم می داد که روش هایی مانند: محرومیت از خواب، قرار دادن افراد در معرض سر و صدای شدید و اینکه از آنها بخواهند در مقابل دیوار بایستند و دستان خود را برای مدت زمان طولانی باز نگهدارند <sup>۴</sup> شکنجه تلقی نمی شود، که البته این معنا به مرور زمان دچار تغییرات اساسی گردید. <sup>۵</sup> واقعیت این است که ممنوعیت شکنجه شامل مواردی هم می باشد که احتمال جدی وجود دارد که اخراج و استرداد فرد، وی را در معرض شکنجه قرار دهد، <sup>۶</sup> این مسئله در کنوانسیون ۱۹۸۴ منع شکنجه و دیگر مجازات ها و رفتارهای بی رحمانه و غیر انسانی <sup>۷</sup> نیز ذکر شده است. بر اساس بند یک از ماده سه کنوانسیون اخیر الذکر، کشورهای عضو نباید فردی را که احتمال جدی و قابل توجه در معرض شکنجه قرار گرفتن وی وجود دارد، به کشور شکنجه گر اخراج نمایند. همچنین این ماده استرداد مجرمان در معرض شکنجه را منع کرده است. پیش بینی این مسأله در کنوانسیون ۱۹۴۸ این سند را در شمار اسناد حقوق بشری که می تواند مستند تقاضای پناهندگی قربانیان احتمالی شکنجه باشند، قرار می دهد. (قاری سید فاطمی، ۱۳۶۶، ۸۸)



1. [http://en.wikipedia.org/wiki/European\\_Convention\\_on\\_Human\\_Rights](http://en.wikipedia.org/wiki/European_Convention_on_Human_Rights), 2010, June, 15

2. Saadi v. Italy, judgment of 28 February 2008, No. 37201/06, Council of Europe: ECHR.

3. Soering v. United Kingdom, judgment of 7 July 1989, Series A, No. 161 (1989) 11 EHRR 439.

4. Ireland v. United Kingdom, judgment of 18 January 1978, Series A, No. 25; (1979-80) 2 EHRR 25.

5. Aksoy v. Turkey, judgment of 18 December 1996, no. 21987/93 (1997) 23 EHRR 553.

6. Delmas-Marty, *ibid*, 174

7. The UN Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or punishment, 1984.

## نتیجه گیری

در این مقاله سعی برای این بوده تا با بررسی عملکرد نظام بین المللی در زمینه استرداد مجرمین و همچنین بررسی روند استرداد در ایران و کانادا، عوامل مؤثر در موفقیت یا عدم موفقیت در پرونده های متشکله در این زمینه مورد بررسی قرار بگیرد. لذا بین شاخص هایی چون موانع قانونی، نقص در قوانین، تشریفات گسترده استرداد مجرمین، عدم وحدت رویه قضایی و غیره و همچنین نبود معاهده و قراردادی مبنی بر استرداد مجرمین بین ایران و کانادا منجر به فرار مجرمین و بی کیفر ماندن آنها شده است. مبنای توجیهی غالبی که در قواعد و قراردادهای منطقه ای و بین المللی برای ضرورت استرداد مجرمین قابل رهگیری است، «کمک به اجرای عدالت» و «جلوگیری از بی کیفری» می باشد. در واقع این عقیده غالب وجود دارد که مقررات استرداد مجرمین به اجرای عدالت کمک می کند، زیرا به فرض اینکه متهم یا محکوم به کشور دیگری پناه ببرد، باز قابل تعقیب و مجازات است. بنابراین، بدین وسیله از بی کیفری هم ممانعت به عمل می آید. در واقع استرداد اقدامی در جهت تثبیت و پشتیبانی از مقررات جزائی و حقوقی کشورهاست که نتیجه آن تثبیت امنیت اجتماع و پیروی از مکتب دفاع اجتماعی می باشد که در نهایت اثراتی از نظر پیشگیری از وقوع جرایم را در بر خواهد داشت بنابراین باید زمینه های پس گرفتن مجرمین را از کشوری که بدان جا فرار می کنند. فراهم نمود و پایه های این امر را آنچنان قوی نمود که عملاً احتمال آن را در حد جلب متهم در داخل کشور رساند. با عنایت به فرضیات اشاره شده در ابتدای پژوهش به نظر می رسد برای اینکه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها به نحو مطلوب صورت گیرد بایستی به طرزی شایسته به مجامع بین المللی. سیستم قضائی ایران، جرایم و مجازات ها معرفی و برای آنان احراز گردد که در جمهوری اسلامی ایران را درسی ها عادلانه صورت گرفته و حقوق مجرمین و متهمین بر طبق اصول کلی پذیرفته شده حقوقی رعایت می شود.

## پیشنهادات محقق:

\* تیم های کارشناسی متشکل از خبرگان امر با محوریت قوه قضاییه تشکیل و با تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات موجود با هدف اصلاح قوانین مرتبط با موضوع استرداد بالاخص قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ در جهت رفع این معزل اقدام کنند.



\* بررسی کارشناسی در خصوص مغایرت های موجود در قوانین جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها و اخذ نظرات عالمان و فقهای دینی در خصوص آن دسته از احکامی که موجب مخالفت کشورها با استرداد مجرمین می شود و در صورت امکان پیش بینی مجازات های جایگزین برای اینگونه موارد پیش بینی شود.

\* ایجاد یک شعبه ی ویژه در امور بین الملل در قوه قضائیه جهت ایجاد وحدت رویه ی قضایی.

\* لازم است که نقش و جایگاه اینترپل در قوانین مربوط، بالاخص قانون استرداد مجرمین مورد توجه قرار بگیرد.

\* لزوم فعالیت مؤثر سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، برای رایزنی و انجام اقدامات سیاسی لازم در زمینه استرداد مجرمین مخصوصاً کشورهای مورد علاقه مردم کشور.

## منابع و مآخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی؛ معاضدت قضایی و استرداد مجرمین، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲
۲. احمدی، محسن؛ انتقال محکومین و استرداد، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۳۸۴، ۱۵
۳. حق پناهان، عباس؛ استرداد مجرمین در حقوق ایران و حقوق بین الملل؛ با تأکید بر جهت گیری کنوانسیون پالمو
۴. زمانی، سیدقاسم، نهادها و سازو کارهای منطقه ای حمایت از حقوق بشر، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶
۵. شیخی، علی محمد؛ استرداد مجرمین، مجله اینترنتی حقوق قضایی، ۱۳۹۰
۶. شیرخانلو، حبیب الله، آئین استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای جهان، ۱۳۸۰
۷. عباسی، محمود، استرداد مجرمین، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۳
۸. فاطمی شریعت پناهی، سید کاظم، استرداد مجرمین، چاپ حکمت، ۱۳۵۰
۹. گلدوزیان، ایرج؛ بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴
۱۰. مزدرانی، هادی، بررسی تطبیقی قوانین استرداد مجرمین و تشریفات اداری آنها، سازمان تحقیقات و پژوهشهای ناجا، تهران، ۱۳۸۴.
۱۱. میرمحمد صادقی، حسین؛ حقوق جزای بین الملل، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۳
۱۲. نیک انجم، شهناز، استرداد مجرمین، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۳، ۱۳۶۶
۱۳. گفت و گو با محمد جواد شریعت باقری، رئیس دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

